

مسئولیت حقوقی و حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال امنیت پناهندگان افغانی و عراقی

جمال بیگی^۱

مهدی عبدی^۲

کیوان حیدرنژاد^۳

چکیده

پناهندگی حقی است که به موجب آن، هر کس که به علل نژادی و مذهبی یا ملیتی یا عضویت در گروه‌های سیاسی یا اجتماعی، جان و یا حقوق بنیادین خود و خانواده‌اش را در خطر ببیند، می‌تواند به کشور دیگر پناهنده شود. پناهندگی از جمله حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مورد شناسایی قرار گرفته و تمامی افراد بدون هیچ‌گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، مذهب و یا سرزمین اصلی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. برابر قواعد و مقررات بین‌المللی، دولت‌ها در قبال پناهندگان تعهداتی دارند که در صورت نقض حقوق بنیادین و یا عدم حمایت کافی از آن‌ها ممکن است مسئولیت حقوقی و بین‌المللی داشته باشند. این مقاله می‌کوشد مسئولیت حقوقی جمهوری اسلامی ایران را در قبال پناهندگان افغانی و عراقی را از منظر قواعد و مقررات بین‌المللی بررسی نموده و حمایت‌های ایران از این پناهندگان را در ارزیابی نماید.

واژگان کلیدی

مسئولیت حقوقی و حمایتی، پناهندگان افغانی و عراقی، مقررات بین‌المللی.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران،

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران،

mehdy263@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران،

Keyvan_heidarnejad@yahoo.com



حضور پناهندگان افغانی و عراقی در ایران به بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی داخلی این کشورها در مقاطع مختلف تاریخی بازمی‌گردد که هرکدام از این بحران‌ها به نوبه خود در طول تاریخ عللی برای ورود و استقرار پناهندگان این دولت‌ها در خاک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۱۱۴)

موج اول مهاجرت اتباع عراقی به ایران به سال ۱۹۸۰ بازمی‌گردد که باروی کار آمدن صدام حسین به عنوان رئیس‌جمهوری عراق در سال ۱۹۷۹ و آغاز درگیری‌های مسلحانه حزب بعث حاکم بر دولت عراق با دولت جمهوری اسلامی ایران، تعداد زیادی از عراقی‌ها در سال ۱۹۸۰ از این کشور اخراج شده و به مرزهای ایران فرستاده شدند.

(برومند، ۱۳۸۳، ۸۹) موج دوم مهاجرت پناهندگان عراقی به ایران پس از وقایع انتفاضه شعبانیه سال ۱۹۹۱ و آغاز درگیری‌های احزاب سیاسی شیعه با دولت حاکم در شهرهای جنوبی عراق آغاز شد. در این سال‌ها پس از شکست جریانات شیعه، تعداد زیادی از مردم شهرهای عمدتاً مرزی عراق با ایران به دلیل اوضاع نابسامان سیاسی وارد خاک ایران شدند. آمار منتشره تعداد کلی این افراد را ۵۰۰ هزار نفر اعلام می‌کند؛ اما تعداد پناهندگان عراقی در ایران کاهش قابل توجهی داشته است و آمارها نشان می‌دهند در سال ۲۰۰۲ تعداد این افراد به ۲۰۶ هزار نفر رسیده است. (برومند، ۱۳۸۳، ۹۰)

پناهندگان افغانی نیز با حضور طالبان در کشورشان و بروز جنگ داخلی و همچنین مورد استعمار واقع شدن کشورشان توسط قدرت‌های بزرگ مثل ایالات متحده آمریکا و اشغال این کشور توسط استعمارگران، امنیت و زندگی اتباع آن با خطر مواجه شده و مجبور به مهاجرت به کشورهای همسایه از جمله ایران شدند. (فاطمی، ۱۳۷۴، ۱۱)

حال باید دید که آیا این پناهندگان از تمامی حقوق شهروندی برخوردارند؟ آیا دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال نقض حقوق پناهندگان، برابر قواعد و مقررات بین‌المللی مسئولیت دارد یا خیر؟ بر پایه مقررات کنوانسیون ۱۹۵۱ و اساسنامه کمسیاری عالی امور پناهندگان، دولت جمهوری اسلامی ایران چه نوع حمایت‌هایی می‌بایستی از پناهندگان افغانی و عراقی داشته باشد؟ و آیا مسئول جبران خسارت‌های وارده بر پناهندگان نیز هست؟





۱. مسئولیت حقوقی دولت‌ها در قبال پناهندگان

مسئولیت پناهندگی، مسئولیتی بین‌المللی است که نظام بین‌الملل مکلف است دولت پناهنده‌پذیر را در حل مشکلات ناشی از حضور پناهندگان در کشورش مساعدت نماید. حال از آنجا که دولت‌ها، واجد شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌باشند، این سؤال مطرح است که آیا می‌توان قائل به نظریه مسئولیت بین‌المللی دولت شد و آنچه را که از دیدگاه حقوق داخلی در رابطه دولت با اتباعش مطرح است، در روابط بین‌المللی دولت و ارتباطش با سایر اتباع دولت‌های خارجی نیز موردپذیرش قرارداد؟ یا قبول چنین نظریه‌ای با موانع حقوقی و سیاسی مواجه است؟

بدون تردید امروزه، نهاد حقوقی مسئولیت دولت یکی از پذیرفته‌ترین نهادهای حقوقی است که کم‌تر دولتی را می‌توان پیدا کرد که به آن گردن نهاده باشد. در سطح بین‌المللی، بر پایه طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و قواعد آمره بین‌المللی، اصل جبران‌پذیری خسارات ناشی از عملکرد و اقدامات دولت به‌صراحت پذیرفته شده است. اصول حقوقی و عدالت هم اقتضاء می‌نماید اشخاص حقوقی (خواه دولت یا غیر آن) همانند اشخاص حقیقی، اگر خسارت و زیانی در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی وارد آورند یا قانون آمره‌ای را نقض نمایند، باید مسئول پرداخت خسارت شوند. (برومند، ۱۳۸۳، ص ۵۰)

بنابراین هرچند پناه دادن به پناهندگان عراقی و افغانی در جمهوری اسلامی ایران بر پایه آموزه‌های دینی و سنن ملی صورت پذیرفته است. لیکن این اقدام انسان دوستانه تکالیفی را برای ایران به همراه داشته است که در صورت عدم ایفای تعهدات بین‌المللی و نقض حقوق بنیادین این پناهندگان، می‌بایستی پاسخ‌گو باشد.

۱-۱. ارکان مسئولیت‌آور

طبق مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ایجاد مسئولیت بین‌المللی مستلزم این است که عمل نامشروع بین‌المللی باید بر طبق حقوق بین‌الملل قابلیت انتساب به دولت را داشته باشد، یعنی باید رابطه سببیت بین عمل نامشروع انجام‌شده و یک دولت کاملاً محرز گردد؛ اما چه موقع فاعل یک عمل را دولت می‌دانیم؟ آیا تمام اعمالی که از افراد مختلف



سرزمین کشوری رخ می‌دهد، قابل انتساب به دولت متبوع آن می‌باشد؟ و در چه محدوده‌ای اعمال افراد را می‌توان اعمال دولت متبوع آنان فرض کرد؟

حقوق بین‌الملل برای تشخیص ارکان دولتی به حقوق داخلی و قانون اساسی دولتی مراجعه می‌کند تا محدوده افراد و ارکان دولتی و اعمالی که به‌عنوان دولت متبوع خود انجام می‌دهند مشخص گردد. البته حقوق داخلی تنها در حد وسیله‌ای است که نظم حقوق بین‌المللی برای انجام دادن اقدامی که کاملاً بر عهده آن قرار دارد به کار می‌برد. (ابراهیمی، ۳۸، ۱۳۷۷)

ماده ۴ طرح کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی در بند دوم ارگان دولتی را شامل هر فرد یا شخصیتی می‌داند که آن سمت را بر طبق حقوق داخلی دارد. مطابق حقوق بین‌الملل، رفتار هر ارگان دولت باید عمل آن دولت محسوب شود، چه آن ارگان در مقام مقننه، مجریه، قضاییه یا هر رکن دیگری عمل کند و خواه آن ارگان در ساختار یک دولت مرکزی باشد و خواه در ساختار سرزمینی یک دولت باشد. (بند ۱ ماده ۴ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱) قابل انتساب بودن رفتار چنین ارکانی به دولت، نتیجه اصل یکپارچگی دولت از نظر بین‌المللی است. طبق حقوق بین‌الملل حکومت مرکزی مسئول اتباع خود است و نمی‌تواند به عذر این که طبق قانون اساسی اختیارات نظارتی کافی بر آن واحدها برای اجرای تعهدات بین‌المللی ندارد، خود را از مسئولیت مبرا سازد. (حلمی، ۱۳۸۷، ص ۵۲)

بر پایه ماده ۵ نیز رفتار افراد یا مؤسساتی که یک سازمان دولتی مطابق ماده ۴ نیستند، اما به‌وسیله قانون آن دولت، به آن‌ها اختیار و قدرت برای اعمال حاکمیت دولتی داده شده، باید طبق حقوق بین‌الملل به‌عنوان عمل دولت تلقی شود، اگر شخص یا مؤسسه در همان مقام عمل کرده باشد. از طرفی رکن دولت در نهایت مرکب از افراد است. این افراد ممکن است اعمالی را انجام دهند که ارتباطی به مقام دولتی‌شان نداشته باشد. بنابراین لازم است در هر مورد معلوم گردد که عمل شخص موردنظر در مقام رکن دولت بوده یا به‌عنوان شخص عادی. (حلمی ۱۳۸۷، ۶۱)

بنابراین برابر مقررات حقوق بین‌الملل همین که فرد به‌عنوان مأمور دولت عمل متخلفانه انجام دهد دولت مسئول است، حتی اگر از حدود اختیار خود تخطی کرده



باشد که البته مبنای این فرض، غالب شدن نظریه ریسک می‌باشد. (سیفی، ۳۷، ۱۳۸۰) بر اساس مقررات بخش آخر ماده ۷ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز رفتار یک سازمان دولتی یا یک فرد یا مؤسسه که اجازه داده شده به‌عنوان ابرار یک دولت عمل کند، باید عمل دولت محسوب شود. حتی اگر ارگان، فرد یا مؤسسه در مقامش یا حتی خارج از اختیارات عمل کند یا از موقعیتش تخلف کند. البته اگر شک کنیم که رفتار یک فرد به‌عنوان مقام رسمی دولت صورت گرفته یا به‌عنوان اعمال خصوصی، در این مورد به ماهیت اعتبار و شکل کار دقت می‌کنیم. (Gluseppe, 1982, ۳۷۳) حال بر اساس قواعد و مقررات بین‌المللی ارکان مسئولیت آور دولت‌ها را به‌اختصار معرفی می‌کنیم.

✓ **قوه مجریه:** قوه مجریه که مسئولیت اجرای قوانین در داخل کشور را به عهده دارد و از طرفی در ارتباط مستقیم روابط خارجی کشور در صحنه بین‌المللی می‌باشد، بیش‌تر از قوای دیگر حکومتی در معرض برخورد با بیگانگان (به‌خصوص پناهندگان) قرار دارد و بالطبع، احتمال بروز مسئولیت بین‌المللی برای یک دولت از جانب قوه مجریه بیش‌تر خواهد بود. عملکرد قوه مجریه در موارد زیر بیش‌تر موجب بروز خسارت به بیگانگان و مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود:

۱. صدور آئین‌نامه‌ای که حقوق پناهندگان را خدشه‌دار کرده یا قواعد بین‌المللی را زیر پا گذارد.

۲. ملی کردن بعضی از صنایع مشترک با کشورهای دیگر.

۳. مصادره اموال پناهندگان.

۴. کوتاهی در حفاظت از جان پناهندگان یا سفارت‌خانه‌های دولت‌های دیگر.

۵. عدم انجام تعهداتی که حقوق بین‌الملل بر عهده یک دولت گذارده مانند تعهدات کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگان یا تعهدات حقوق بشردوستانه یا اجرای رأی الزامی یک مرجع بین‌المللی.

✓ **قوه مقننه:** قوه مقننه در اعمال وظایف محوله خود می‌تواند در حیطه‌ای وضع قانون کند که به‌جز اتباع داخلی به نحوی با اتباع خارجی یا دولت‌های دیگر ارتباط داشته باشد. بدیهی است در صورتی که وضع چنین قوانینی برخلاف تعهدات حقوق بین‌الملل باشد یا موجب خسارت به اتباع بیگانه گردد زمینه‌ساز مسئولیت بین‌المللی



دولت خود را در برابر جوامع بین‌المللی فراهم می‌آورد. مثلاً هنگامی که مصوبه قانونی این قوه در تعارض آشکار با تعهد بین‌المللی دولت باشد و هم‌چنین اگر بر اثر وضع قوانینی از طرف قوه مقننه حقوق پناهندگان داخل در آن کشور نادیده گرفته و یا موجب خسارت به آن‌ها شود نیز از موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت می‌تواند گردد. البته انتشار قانون لزوماً برای دولت مسئولیت ایجاد نمی‌کند. زیرا پناهنده تنها هنگامی می‌تواند به مراجع داخلی رسیدگی به شکایات متوسل شود که بر اثر اجرای این قانون لطمه دیده باشد. (مستقیمی و طارم سری، ۷۵، ۱۳۷۷)

✓ **قوه قضاییه:** در گذشته نه‌چندان دور این نظریه رایج بود که مصونیت قضات و استقلال آن‌ها از دولت، به‌طور کلی آن‌ها را از تحت اقتدار دولت بودن خارج می‌کند تا حدی که در حقوق بین‌الملل نیز این مصونیت و استقلال قابل استناد بوده و دستگاه قضایی به‌هیچ‌عنوان جزء ارکان دولتی محسوب نمی‌گردید چون حکومت نمی‌توانست بر تصمیمات آن‌ها اثر بگذارد.

اما در حال حاضر با حفظ استقلال قضات، دستگاه‌های قضایی یک کشور نیز از ارکان دولتی آن کشور محسوب شده و اصل یکپارچگی حکومت بر دستگاه قضایی نیز اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، امروزه در حقوق بین‌الملل وقتی یک دولت در نظر گرفته می‌شود همه ارکان و ارگان‌های آن از جمله قوه قضائیه نیز در مجموعه آن دولت محسوب هستند. بدین ترتیب اگر چنانچه عمل قوه قضائیه یک دولت موجب نقض تعهد بین‌المللی گردد و یا خسارتی به اتباع بیگانه وارد نماید موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت خویش را فراهم می‌آورند. مهم‌ترین مواردی که می‌تواند قوه قضائیه را با حقوق بین‌الملل درگیر نماید عبارت‌اند از:

۱. خودداری از قبول دعاوی پناهندگان.
۲. صدور حکم غیر عادلانه برای پناهندگان.
۳. تأخیر در انجام رسیدگی.
۴. عفو یا تخفیف مجازات مرتکبان جرائم علیه پناهندگان.



۲-۱. مسئولیت حقوقی دولت‌ها بر پایه مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل

نقض تعهد بین‌المللی زمانی روی می‌دهد که اقدام منتسب به دولت به‌عنوان شخص حقوق بین‌الملل منجر به قصور آن در رعایت تعهدی بین‌المللی که بر عهده آن گذاشته شده است بشود و یا به‌طور غیرمستقیم اقداماتی را انجام دهد که باعث نقض قواعد عرفی و آمره حقوق بین‌الملل گردد که این امر باعث ایجاد مسئولیت برای کشورهای متخلف می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل موارد نقض این اصول و قواعد را برای دولت‌ها مشخص کرده و دولت‌ها موظف به جبران خسارت هستند. هدف از تدوین مواد حاضر، تنظیم قواعد مبنای حقوق بین‌الملل در باب مسئولیت ناشی از تخلفات بین‌المللی دولت‌ها است که در راستای تدوین توسعه مترقیانه حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد.

برابر ماده ۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، هر تخلف بین‌المللی یک دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌گردد. این ماده بیان‌کننده اصلی بنیادی است که ریشه تمامی مواد به شمار می‌رود، یعنی نقض حقوق بین‌الملل از سوی یک دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌گردد. یک تخلف بین‌المللی دولت ممکن است مرکب از یک یا چند فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد. احراز تخلف بین‌المللی اولاً بستگی به الزامات تعهدی که ادعای نقض آن مطرح گردیده و ثانیاً به شرایط وقوع عمل تخلف دارد که در بخش اول تعیین گردیده است. واژه «مسئولیت بین‌المللی» دربرگیرنده روابط حقوقی جدیدی است که طبق حقوق بین‌الملل به دلیل ارتکاب تخلف بین‌المللی از سوی یک دولت پدید می‌آید. (حلمی، ۲۷، ۱۳۸۷)

در خصوص مسئولیت دولت در قبال آزار پناهنده توسط عاملان رسمی یعنی دولت و کارگزاران آن (در حدود تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ از پناهنده) هیچ تردیدی وجود ندارد اما در مورد این که آیا آزار ارتكابی توسط عاملان غیررسمی یعنی بازیگران غیردولتی در چارچوب تعریف پناهنده قرار می‌گیرد و در صورت مثبت بودن پاسخ، حدود مسئولیت دولت مبدأ پناه‌جو نسبت به اعمال بازیگران غیردولتی بحث‌های زیادی مطرح شده است.

در زمان تصویب تعریف پناهنده در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، این مسئله به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته شده بود که بر مبنای چارچوب موجود، آزار از دولت یا



نظام مورد قبول دولت ناشی می‌شود. از این رو در زمان طراحی کنوانسیون هیچ بحثی در مورد عاملان آزار صورت نگرفت. هرچند می‌توان ادعا کرد ایده پناهندگانی که از جنگ داخلی، پیامد انقلاب‌ها یا هرج و مرج ناشی از سقوط امپراتوری‌ها در دوران پیش از جنگ جهانی دوم از کشور خود گریختند بخشی از حافظه جمعی طراحان کنوانسیون را تشکیل داده و در ذهن آن‌ها بوده باشد؛ بنابراین جای تعجب نیست که کارهای مقدماتی در مورد مسئله عاملان آزار راهکاری ارائه نمی‌دهد و کنوانسیون ۱۹۵۱ نیز در مورد عامل یا منبع آزاری که پناه‌جو از آن بیمناک است، ساکت می‌باشد و سکوت کنوانسیون و کارهای مقدماتی آن باعث شد دولت‌ها، در دوران پس از جنگ با این تفسیر که آزار ناشی از بازیگران غیردولتی نمی‌تواند به دعوی معتبر پناهندگی منتهی شود، تعریف خود از آزار را به آزار ناشی از عاملان رسمی، یعنی دولت و کارگزاران آن محدود کنند. این تفسیر را نمی‌توان معتبر تلقی کرد. بررسی ابعاد مختلف تعریف پناهنده در چارچوب توسعه حقوق بین‌الملل و تحول اشکال ارتکاب آزار ثابت می‌کند که آزار فقط به دولت و کارگزاران آن محدود نمی‌شود بلکه به حوزه عاملان غیررسمی نیز گسترش یافته و لذا بازیگران غیردولتی را نیز در برمی‌گیرد. (کیهانلو، ۱۳۹۰، ۶۳)

۲. حمایت جمهوری اسلامی ایران از پناهندگان و جبران خسارت‌های وارده بر آن‌ها

مسئولیت بین‌المللی با جبران خسارت رابطه تنگاتنگی دارد. تا آنجا که در مورد نقض تعهد بین‌المللی از واژه مسئولیت بین‌المللی استفاده می‌شود که دولت ناقض یک تعهد بین‌المللی، مسئول جبران خسارات وارده به دولت صدمه‌دیده می‌باشد. زیرا یکی از اصول منطقی و طبیعی پذیرفته‌شده از طرف ملل متمدن که بنیان نظام عمومی و عدالت و انصاف می‌باشد این است که نقض و لطمه به یک حق قبل از هر چیز این تکلیف را ایجاد می‌کند که مسئول و عامل آن، وضع سابق را مجدداً مستقر نماید. (فیوضی، ۱۳۷۹، ۵۳۹) این قواعد حمایتی از یک سری اصولی تشکیل شده است که برای حمایت از پناهنده باید رعایت شود.



۱-۲. حمایت از پناهندگان افغان و عراقی

مهم‌ترین جلوه‌های حمایتی جمهوری اسلامی ایران از پناهندگان افغانی و عراقی که بر پایه مقررات بین‌المللی در راستای حمایت از حقوق این پناهندگان صورت پذیرفته عبارت‌اند از:

✓ حمایت از بازگشت داوطلبانه پناهندگان

بازگشت پناهنده به دو حالت ممکن است صورت گیرد: یا بدون رضایت وی بوده که در این حالت جنبه «اخراج» دارد و یا با موافقت او صورت می‌گیرد که به آن «بازگشت داوطلبانه» گویند. بهترین راه حل دائمی برای مسئله پناهندگی بازگشت داوطلبانه پناهندگان به وطن اصلی خودشان است. این بازگشت‌ها غالباً به دنبال حوادثی نظیر کسب استقلال، جدائی از یک کشور و یا تغییرات سیاسی داخلی رخ می‌دهد. برای مثال در نتیجه مناقشات سال ۱۹۷۱ در پاکستان شرقی حدود ده میلیون نفر آواره شدند که بعداً به کشور جدید التاسیس بنگلادش بازگشتند. (نظری تاج‌آبادی، ۱۴۳، ۱۳۶۹) یا بعد از سقوط رژیم سوسیالیستی و خروج نیروهای شوروی از افغانستان تعداد کثیری از افغان‌های آواره به موطن خویش بازگشتند.

در حقوق ایران نیز ماده ۱۱ آیین‌نامه پناهندگان مقرر می‌دارد: «اگر کمیته دائمی پناهندگان تشخیص دهد که اوضاع و احوالی که در اثر آن پناهنده به ایران آمده، از میان رفته است پناهنده بایستی خاک ایران را ترک گوید. مگر این که دلایل کافی بر ادامه خطری که متوجه او است، ارائه نماید.»

✓ حمایت از بازنگرداندن اجباری پناهندگان

از دیگر مواردی که دولت‌ها را در قبال پناهندگان مسئول می‌نماید، اصل بازنگرداندن پناهنده به کشور خود می‌باشد که تقریباً در تمام اصول حقوق بین‌الملل نیز به آن اشاره شده است.

بر اساس بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون پناهندگان: «هیچ‌یک از دولت‌های متعهد به هیچ نحوی پناهنده را به مرزهای سرزمینی که در آنجا زندگی یا آزادی او به سبب نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه خاص اجتماعی یا عقیده سیاسی تهدید می‌شود، اخراج



نخواهد کرد یا باز نخواهد گرداند». (ارفع نیا، ۴۵، ۱۳۸۳) این قاعده بیانگر ماهیت اصلی مشکل پناهندگی است. به این معنا که پناهنده به محلی برگردانیده نشود که در آن حیات و آزادی‌اش در معرض خطر قرار می‌گیرد. اگر این ماده در کنوانسیون گنجانده نمی‌شد پناهندگی معنایی نمی‌داشت. اگر محتوای این قاعده را باقاعده شماره ۲ بند الف ماده ۱ کنوانسیون می‌بینیم که «تهدید به زندگی و آزادی» در بند ۱ ماده ۳۳ به‌جای کلمه‌ی «تعقیب» در بند الف (۲) ماده ۱ کنوانسیون به‌کاررفته است. پناهنده از جایی می‌گریزد که در آنجا تعقیب می‌شود، یعنی «زندگی و آزادی‌اش» در معرض تهدید قرار می‌گیرد. تهدید به زندگی و آزادی درواقع در زمره‌ی نقض حقوق بنیادین بشر به‌شمار می‌رود. پس تهدید به زندگی و آزادی یک پناه‌جو را به‌هرحال باید تعقیب پنداشت. افزون بر آن حقوقدان آن‌هم عقیده‌اند که تعقیب شامل تخلف‌های دیگری از حقوق بنیادین بشر نیز می‌شود اما هر نقض و تخلف از حقوق بشر را نمی‌توان تعقیب انگاشت. (ضیایی بیگدلی، ۱۱۲، ۱۳۸۹) از سوی دیگر تعقیب به شکل عمل و رفتاری ظهور می‌کند که از طرف یک فرد یا مقام تعقیب‌کننده انجام می‌گردد و پیامد آن نقض معیارهای بین‌المللی حقوق بشر است.

بر اساس موازین بین‌المللی حقوق بشر مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶، دولت‌ها تعهد نموده‌اند که در رفتار خویش مطابق هنجارهای میثاقین عمل کنند. لذا هر نقض حقوق بشری شامل تعقیب نمی‌شود، بلکه تعقیب فقط شامل نقض مکرر، شدید و نظام‌دار حقوق بنیادین بشر که آن نقض پیامد منفی ناگوار برای فرد دارد، می‌گردد. البته اعمالی که منجر به نقض حقوق مدنی و سیاسی یک پناه‌جو می‌شوند، زودتر تعقیب پنداشته می‌شوند تا آن اعمالی که منجر به نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پناه‌جو گردند.

نقض حقوق مدنی و سیاسی دیگری که می‌تواند تعقیب شمرده شود، اما به‌اندازه‌ی کم‌تر از اعمال یادشده‌ی فوق، عبارت‌اند از: تجاوز به حق آزادی مذهب مانند منع عبادت و رفتن به پرستشگاه، تجاوز به حق آزادی بیان مانند منع انتشار نوشته و رساله، تجاوز به حق اجتماع مانند منع تشکیل جلسه‌ی سیاسی و حزبی.



نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک فرد عموماً تعقیب شمرده نمی‌شوند، مگر این‌که پیامد آن برای انسان تحمل‌ناپذیر باشد و یا مبتنی بر سیاست تبعیض‌گرایانه یک دولت در این راستا باشد که حیات مادی انسان را سخت آسیب‌پذیر بسازد. نقض حق تحصیل، نقض حق داشتن کار، نقض حق داشتن حداقل امکانات زندگی و معیشت در زمره نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرد به شمار می‌آیند. (برومند، ۱۳۸۳، ۱۰۲)

✓ حمایت از اشتغال پناهندگان

حضور گسترده پناهندگان خارجی به‌ویژه افغانی بدون اجازه قانونی در بازار کار ایران علامت سؤال‌ی است که هنوز برای آن پاسخی پیدا نشده است. برخی از پیمانکاران و کارفرمایان، کارگران افغان را به کارگران ایرانی ترجیح می‌دهند. منافع استفاده از کارگران خارجی برای این کارفرمایان به‌اندازه‌ای است که حاضرند در دسرهای پنهان کردن کارگران غیرقانونی خود و پرداخت جریمه را تحمل کنند، اما استفاده از این کارگران غیرقانونی را کنار نگذارند. این در حالی است که به نظر می‌رسد با تمکین به مقررات مربوط به استفاده از کار اتباع خارجی، گام بزرگی در حمایت از کار ایرانی و کاهش بیکاری برداشته خواهد شد. برخی کشورها به دلیل کمبود نیروی انسانی، شرایط آسانی را برای مهاجرت کارگران به کشور خود فراهم می‌کنند؛ اما بدون شک، ایران در زمره این دسته از کشورها نیست. در حال حاضر مقررات شدیدی برای صدور مجوز کار برای کارگران خارجی وجود دارد.

یکی از دلایل حضور گسترده پناهندگان، حمایت کارفرمایان از این کارگران است. گویا مجازات‌های فعلی نمی‌تواند صاحبان مشاغل را از استفاده از کارگر خارجی منصرف کند. دلیل دیگر، ناآشنایی کارفرمایان با مجازات‌های این عمل غیرقانونی است. استخدام پناهندگان بدون مجوز قانونی ممنوع است و کارفرمایان کارگاه‌هایی که اتباع خارجی بدون پروانه کار را به استخدام درآورند، بابت اشتغال غیرمجاز هر کارگر خارجی معادل ۱۰ برابر حداقل دستمزد روزانه جریمه می‌شوند. کارفرمایان هم‌چنین پس از ابلاغ برگ جریمه نسبت به اشتغال اتباع بیگانه فاقد پروانه باید با آنان تسویه حساب و آنان را اخراج



کنند. کارفرمایان خاطی با توجه به شرایط و امکانات و مراتب جرم به مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. وزارت کار نیز ضمن اعلام مراتب به مراجع قضایی می‌تواند در صورت تخلف اتباع بیگانه، تقاضای اخراج یا ممنوعیت ورود آنان به کشور را درخواست کند.

کارفرمایان باید از استخدام و اشتغال اتباع بیگانه بدون پروانه کار خودداری کند و دولت نیز به دنبال راه‌حلهایی برای بازگرداندن کارگران غیرمجاز به کشورشان باشد. همه کارگاه‌ها در سراسر کشور باید به‌منظور شناسایی اتباع خارجی فاقد پروانه کار توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مورد بازرسی قرار گیرند. این وزارتخانه موظف است در صورت مشاهده تخلف کارفرما یا مقاطعه دهنده، در خصوص به‌کارگیری اتباع خارجی فاقد پروانه کار، نسبت به صدور و ابلاغ برگ جریمه بر اساس مدت‌زمان اشتغال، تعداد شاغلان غیرمجاز خارجی و تکرار تخلف به میزان مقرر در قانون بودجه کل کشور اقدام کند و این یکی از ابزارهای حمایتی دولت ایران از پناهندگان در برابر سوءاستفاده و بهره‌کشی کارفرمایان است.

به دلیل گسترش قابل‌ملاحظه پناهندگی و نیروی انسانی به‌ویژه نیروی کار و پیامد آن افزایش خشونت با نژادپرستی و بیگانه‌گریزی و بیگانه‌ستیزی که در اثر اختلال اوضاع اقتصادی و عدم ارتباط واقعی و بی‌خبری و عدم آشنایی با فرهنگ ملل و تمدن‌های دیگر تشدید شده است و همچنین با توجه به این مهم که در آغاز قرن بیست و یکم میلادی، از هر ۳۵ نفر یک نفر مهاجر است و از کشوری به کشور دیگر نقل‌مکان کرده است. اگر تمامی این مهاجران در یکجا زندگی کنند، این محل می‌تواند پنجمین کشور بزرگ دنیا باشد. مهاجران افرادی هستند که می‌توانند انرژی مثبتی را وارد اقتصاد کنند، مشروط بر این که مقررات حمایتی مندرج در کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و خانواده آن‌ها در دولت پذیرنده رعایت شود.

✓ حمایت از حقوق عمومی پناهندگان

در حقوق بین‌الملل اصل بر تمتع بیگانگان از حقوق عمومی^۱ است و در مقررات

۱. حقوق عمومی به مجموع حقوقی اطلاق می‌شود که بهره‌مندی از آن بستگی به سازمان‌های قانونی و به‌منظور



جمهوری اسلامی ایران هم در فصل سوم قانون اساسی از آن به عنوان «حقوق ملت» یاد شده است. مهم ترین حقوق عمومی مندرج در مقررات ایران عبارت اند از:

۱. حمایت از حیثیت و جان اتباع بیگانه (اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)
۲. حمایت از حقوق و مسکن اتباع بیگانه (اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)
۳. حق ورود، عبور، توقف و خروج و اقامت اتباع بیگانه (آیین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب ۱۳۵۳/۰۳/۱۲ هیئت وزیران)
۴. حق اشتغال اتباع بیگانه که بر طبق آن اشتغال به کار هر بیگانه در ایران منوط به دریافت پروانه کار از وزارت کار و امور اجتماعی است.

✓ انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده

انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده (حامی) با الهام از مبانی اعتقادی و اخلاقی خود مبنی بر پاسداشت کرامت انسانی و احترام به نوع بشر تشکیل و همواره در تلاش بوده است تا با استفاده از توانمندی های موجود و بهره گیری از امکانات و تجارب جوامع علاقه مند، نقش مناسبی در پایان بخشیدن و یا کاهش عواملی که زمینه های مخاطره آمیزی را برای زندگی زنان و کودکان آسیب دیده در مناقشات مسلحانه، درگیری های داخلی و نیز بلایای طبیعی ایجاد نموده است فراهم و نیز در بهبود بخشیدن به زندگی این گروه آسیب پذیر انسانی تلاش نماید.

از سویی دیگر حضور در منطقه پر آشوب خاورمیانه و همسایگی با کشورهای بحران زده ای چون عراق و افغانستان؛ ایران را در دهه ۷۰ شمسی ناگزیر از میزبانی و پذیرش بیش از ۴ میلیون پناهنده و آواره از کشورهای هم جوار نمود. از این رو از سال ۱۹۸۹ میلادی انجمن حامی (حمایت از زنان و کودکان پناهنده) بر اساس مأموریت و مسئولیت همه جانبه انسانی خود و در تلاش برای بهبود بخشیدن به وضعیت زندگی جمعیت بی شماری از زنان و کودکان پناهجو و پناهنده عراقی و افغانی که در گوشه و کنار شهرها و روستاهای ایرانی ساکن شده بودند به صورت رسمی وارد عرصه جدیدی شد و با تمرکز فعالیت ها در جامعه رو به افزایش زنان، کودکان و جوانان مهاجر و



پناهنده مقیم ایران تلاش نمود تا با ارتقاء توانایی‌های ذاتی این افراد موقعیت آن‌ها را در چیره شدن بر محدودیت‌های موجود افزایش داده و نقش شایسته‌ای در بازسازی نه‌تنها زندگی خود، بلکه جامعه و کشورشان به عهده گیرند.

در این مسیر نخستین قدم درراه پیشرفت زنان، تسهیل و تأمین امکانات آموزشی در زمینه‌های سوادآموزی، تحصیلی، بهداشت، تنظیم خانواده، مهارت‌های زندگی، آموزش‌های حرفه‌ای و افزایش مشارکت‌پذیری اجتماعی و سیاسی آنان به‌عنوان راهی که به رشد و توسعه آگاهی‌های فردی و اجتماعی آن‌ها منتهی می‌گردد، بود. هم‌چنین انجمن حامی در راستای اهداف و مأموریت تعریف‌شده خود و یاری رسانیدن به زنان افغانستان که پس از فروپاشی نظام طالبان در مسیر جدیدی از تلاش و اقدام برای دسترسی به حقوق طبیعی خود قرارگرفته بودند، به‌عنوان تنها سازمان غیردولتی ایرانی از سال ۲۰۰۲ فعالیت خود را در افغانستان آغاز نمود. (نظری، بی تا، ۲۶)

البته جا دارد که این انجمن از ظرفیت‌های قانونی اخیر^۱ در ایران جهت حمایت بیش‌تر از این پناهندگان استفاده نماید. چراکه طبق تحقیقاتی که در کمیساریای عالی پناهندگان صورت پذیرفته است اکثریت پناهندگان به‌خصوص کودکان آنان به دلیل فقدان مجوز کاری، به‌نوعی با خریدوفروش و قاچاق مواد مخدر ارتباط دارند. (بیگی، ۱۳۸۸، ۱۲۵)

۲-۲. جبران خسارت وارده بر پناهندگان افغانی و عراقی

فصل دوم طرح مسئولیت بین‌المللی کمیسیون حقوق بین‌المللی به بحث پیرامون جبران خسارت می‌پردازد. ماده ۳۴ این طرح بیان می‌دارد: تمام جبران خسارات صدمات ناشی از یک عمل نامشروع بین‌المللی، مطابق با شرایط این فصل از طریق اعاده وضعیت قبلی، پرداخت غرامت و جلب رضایت فردی یا گروهی انجام می‌گیرد. (حلمی، ۲۶۵، ۱۳۸۷)

مطابق مقررات ماده ۳۴ طرح کمیسیون، سه شکل برای جبران خسارت وجود دارد که عبارت‌اند از: اعاده وضع سابق، پرداخت غرامت و جلب رضایت. در رویه‌های

۱. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴): «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند ...».



بین‌المللی به تناسب هر موضوع برای اعاده خسارت موجود، برخی یا همه اشکال فوق به کار رفته است.

● اعاده وضع سابق

ماده ۳۵ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون، به اعاده وضع سابق اختصاص دارد. برابر این ماده، دولت مسئول یک عمل خلاف بین‌المللی متعهد به اعاده وضع سابق است. یعنی وضعیتی را که قبل از ارتکاب عمل خلاف بین‌المللی وجود داشته است را دوباره به وجود آورد و تاندازه‌ای اعاده را ادامه بدهد که:

۱. دیگر ممکن نباشد.

۲. مسئولیت از بین نمی‌رود مگر بین منافع حاصل از اعاده با خسارات وارده تناسب وجود داشته باشد. (حلمی، ۱۳۸۷، ۲۶۸)

بنابراین در اعاده وضع سابق، دولت مجرم الزام دارد همه اقدام‌های مادی مانند پس دادن سرزمین‌های اشغالی و عین مال تصرف‌شده و یا پرداخت معادل پولی آن و حقوقی مانند اجرای مجدد تعهد نقض شده، محاکمه و مجازات عادلانه مجرم، برای جبران زیان‌های واردشده به دولت یا دولت‌های لطمه دیده را به عمل آورد. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در تفسیر ماده ۳۵، اعاده وضع سابق را اولین شکل مقتضی جبران خسارت ناشی از عملکرد اشتباه بین‌المللی برای دولت‌ها محسوب می‌دارد.

● پرداخت غرامت

ماده ۳۶ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون در مورد جبران خسارت بیان می‌دارد:

۱. دولت مسئول یک عمل خلاف بین‌الملل برای خسارت‌هایی که به وجود آورده است متعهد به پرداخت غرامت می‌باشد تا حدی که بهتر از آن نتوان این خسارت را به حال اولیه بازگرداند.

۲. غرامت باید همه خسارت‌های قابل تقویم مالی را در برگیرد، حتی عدم النفع تا حدی که به وجود آمده است.

در مواردی که اعاده وضع سابق به هر دلیل به طور کامل ممکن نباشد، پرداخت پول



و یا ارزش‌های مالی دیگر برای جبران خسارت وارده صورت می‌گیرد که این عمل کاملاً مطابق با رویه دولت‌ها بوده است. برجسته‌ترین رأی در مورد پرداخت غرامت پولی رأی سال ۱۹۲۸ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کارخانه شورزو است. به گفته دیوان دائمی زیان واردشده به اتباع دولت لطمه دیده بر اثر عمل مغایر با حقوق بین‌الملل باشد و این که پرداخت غرامت حتی متداول‌ترین شکل جبران خسارت است. (حلمی، ۱۳۸۷، ۲۸۲) نکته قابل توجهی که در جبران خسارت از طریق پرداخت غرامت وجود دارد، نحوه محاسبه غرامت می‌باشد. چراکه ممکن است از زمان بروز خسارت تا جبران آن فاصله زمانی زیادی گذشته باشد و به این ترتیب آثار ناشی از بروز خسارت مشتمل بر خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم گردد. قبل از قضیه آلاباما در محاسبه میزان غرامت، در مورد محسوب داشتن خسارات غیرمستقیم تئوری واحدی در حقوق بین‌الملل وجود نداشت؛ اما قضیه آلاباما و رأی داوری پیرامون آن باعث شد که به تدریج بعداً این رأی، خسارات غیرمستقیم از محاسبه غرامت خارج گردد.

در این داوری نسبت به خسارت‌های غیرمستقیمی که آمریکا بانام خسارات ملی جبران آن را درخواست کرده بود قراری به این مضمون صادر شد: بنا بر اصول حقوق بین‌الملل قابل‌اعمال در این گونه موارد، مطالبات ملی آمریکا بر پایه‌هایی نیستند که یک دادگاه داوری بین‌المللی بتواند به استناد آن‌ها به صدور رأی پرداخت غرامت بین دو کشور مبادرت نماید. دادگاه تصمیم دارد از رسیدگی به مطالبات ملی «مطالبات غیرمستقیم» خودداری کند.

● جلب رضایت

ماده ۳۷ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان می‌دارد:

۱. دولت مسئول یک عمل خلاف بین‌المللی متعهد است برای خسارتی که به بار آورده جلب رضایت نماید با انجام اعمالی که نتوان بهتر از آن را توسط اعاده وضع یا پرداخت غرامت به وجود آورد.

۲. جلب رضایت ممکن است شامل سپاست گذاری از یک نقض تعهد، یک بیانیه ابراز تأسف، یک نوع پوزش یا دیگر روش‌های مقتضی و مناسب باشد.



۳. جلب رضایت نباید غیرمتناسب با خسارت وارد آمده باشد و نباید حالت تحقیرآمیز برای دولت مسئول داشته باشد، جلب رضایت جنبه‌ای از جبران خسارت در مفهوم وسیع کلمه است. این شکل از جبران خسارت برای زیان‌های غیرمادی یا لطمه‌های معنوی واردشده به شخصیت یک دولت مناسب است. جلب رضایت در قیاس با اعاده وضعیت به حال سابق و پرداخت غرامت بیش‌تر شکل سیاسی جبران خسارت دانسته می‌شود. (حلمی ۱۳۸۷، ۳۰۱)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نگاه جمهوری اسلامی ایران به مقوله پناهندگی یک نگاه بشردوستانه و برگرفته از نگاه انقلابی، دینی و بسیار متفاوت از بحث پناهندگی در سایر کشورهای دنیا است. هم‌چنین دولت ایران پس از اجرای طرح شناسایی و ثبت‌نام پناهندگان از بین ۶۰۰۰ هزار عراقی مقیم ایران که در این طرح شناسایی و ثبت‌نام کرده‌اند، مهلت‌هایی داده می‌شود که پس از پایان یافتن مهلت این طرح، نیروی انتظامی برابر مقررات و قوانین با افرادی که به‌صورت غیرمجاز در کشور حضور دارند، کارفرمایانی که به‌صورت غیرقانونی از افراد غیرمجاز برای اشتغال استفاده کنند، آن‌ها را اسکان می‌دهند و هم‌چنین باندهای قاچاق انسان به‌شدت برخورد خواهد کرد. لذا از این‌پس هر نوع ورود و خروج پناهندگان با روایت و گذرنامه قانونی انجام می‌شود و هر تبعه‌ای که فاقد کارت اقامت و یا گذرنامه باشد، به‌عنوان غیرمجاز تلقی شده و طبق قانون با آن‌ها برخورد خواهد شد. با توجه به این‌که کنترل مرزها به‌شدت انجام می‌شود، پرونده غیرمجازین برای همیشه بسته خواهد شد و چنانچه کسی به‌صورت غیرمجاز در کشور حضور داشته باشد، به لحاظ قانونی مجرم شناخته می‌شود و برابر قانون با آن‌ها برخورد خواهد شد و دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال پناهندگان فاقد شرایط، هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد.

بررسی قوانین ناظر بر پناهندگان، مشخص می‌سازد که اولین مصوبه قانونی در این رابطه مربوط به سال ۱۳۴۲ می‌باشد. در این سال با تصویب آئین‌نامه پناهندگان، به وضعیت حقوقی پناهندگان در ایران سروسامانی داده شد و سپس در سال ۱۳۵۴، دولت ایران به کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط



به آن مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ ملحق گردید و از آن تاریخ تاکنون علاوه بر چند قانون و آئین‌نامه، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی متعددی در زمینه نحوه اعطای پناهندگی و شرایط آن، میزان کمک‌های نقدی و جنسی، چگونگی برخورداری پناهندگان از تسهیلات قانونی و آیین‌نامه چگونگی بازگشت پناهندگان و ... به تصویب رسیده که برخی از مصوبات با یکدیگر در تضاد و تعارض هستند که این امر علاوه بر آن که ممکن است مشکلاتی در راه اجرای صحیح قوانین ایجاد نماید، باعث سردرگمی مسئولان اجرائی پناهندگان نیز می‌شود. از این رو پیشنهاد می‌شود تجدیدنظر کلی در قوانین موجود جهت رفع تضادها و عنداللزوم تهیه و تصویب آئین‌نامه‌ای جامع با توجه به کلیه تعهدات بین‌المللی دولت جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد.

در این میان هر چند برابر قوانین فوق و مقررات بین‌المللی، صحبتی از مسئولیت دولت ایران در قبال پناهندگان عراقی نشده است. لیکن با استناد و استفاده از عموم مواد طرح کمیسیون سازمان ملل (به‌خصوص ماده ۱) و همچنین الحاق دولت ایران به کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگان و پروتکل اصلاحی آن، اگر حقوق این پناهندگان نیز نادیده گرفته شود، جمهوری اسلامی ایران نقض تعهد بین‌المللی کرده و به‌طور مستقیم در مقابل پناهنده و غیرمستقیم در مقابل دولت مبدأ پناهنده مسئولیت دارد و باید اقدام به جبران خسارت نماید. از این رو با توجه به این که چهار دهه از تصویب این کنوانسیون می‌گذرد و جهان دچار تحول و تغییر شده ولی کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن هم چنان دست‌نخورده باقی مانده و به‌عنوان تنها سند بین‌المللی در حقوق پناهندگان می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌شود تجدیدنظر کلی در آن صورت گیرد تا از ضمانت اجرای قوی‌تری برخوردار باشد.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، محمد، ۱۳۷۷، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ مهر.
- ارفع نیا، بهشید، ۱۳۸۳، حقوق بین الملل خصوصی (تابعیت، اقامتگاه، وضع بیگانگان) چاپ دهم، انتشارات آگاه.
- برومند، آرمین، ۱۳۸۳، حقوق بشر و حمایت از پناهندگان، پایان نامه دانشگاه شهید بهشتی.
- بیگی، جمال، ۱۳۸۸، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- حلمی، نصرالله، ۱۳۹۰، مسئولیت بین المللی دولت ها و حمایت سیاسی، انتشارات میزان.
- سیفی، سید جمال، ۱۳۸۰، تقریرات درسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۹، حقوق معاهدات بین المللی، انتشارات گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۷۸، اسلام و حقوق بین الملل، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش.
- طباطبایی، منوچهر، ۱۳۸۴، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
- عبادی، شیرین، ۱۳۸۵، حقوق پناهندگان (نگاهی به مسائل پناهندگان در ایران)، انتشارات گنج دانش.
- فاطمی، سید محمد قاری، ۱۳۷۴، بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین المللی، هفته نامه مفید، شماره ۱.
- فیوضی، رضا، ۱۳۷۹، حقوق بین الملل (مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، جدول انتشارات دانشگاه تهران).
- کیهانلو، فاطمه، ۱۳۹۰، پناهندگی نظریه ها و رویه ها، انتشارات جنگل جاودانه.
- مستقیمی بهرام، طارم سری مسعود، ۱۳۷۷، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- میری، حسین، ۱۳۹۰، حقوق بین الملل اسلام، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- نظری تاج آبادی، حمید، ۱۳۶۹، بررسی جنبه های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- نظری، حمید، بی تا، پناهندگی سیاسی، مجله سیاسی اقتصادی، شماره هشتم.
- نظری، حمید، بی تا، گوشه های تازه از مسئله پناهندگی، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴.
- Giuseppe sperduti Responsibility of states for activities of private law persons. Incyclopedia of international law. North Holland. voll 10. 1982